



شرایط و وظایف مدیر مسؤول

دکتر محسن اسماعیلی

این ماده باشد و چنانکه گفته شد ماده مذکور صراحتاً در مقام بیان شرایط متقاضیانی است که شخص حقیقی باشند. انتظاراتی که قانونگذار از چنین شخصی دارد و همچنین وظایف و مسؤولیت‌های پیش‌بینی شده برای وی نیز مقتضی همین الزام بوده و نشان می‌دهد شخص حقوقی نمی‌تواند به عنوان مدیر مسؤول شناخته شود.

با این توضیحات و با تأکید مجدد بر این نکته که شرایط لازم برای تصدی مدیریت مسؤولی یک نشریه، همان شرایط پنج‌گانه مذکور در ماده ۹ قانون مطبوعات است به بررسی و شرح وظایف و مسؤولیت‌های وی می‌پردازیم.

گفتار دوم - وظایف و مسؤولیت‌ها

گرچه در لابه‌لای متن مقررات مطبوعاتی به سه وظیفه مصرح مدیران مسؤول نشریات برخورد می‌نماییم، اما آنچه از مجموعه مواد قانونی و روح حاکم بر آنها می‌توان استنباط کرد عدم حصر این وظایف در موارد یادشده است. تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات پس از آنکه حفظ خط مشی کلی نشریه را برعهده «صاحب‌امتیاز» می‌داند، چنین می‌گوید: «مسؤولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به‌عهده مدیر مسؤول خواهد بود.»

چنانکه کاملاً واضح است قانونگذار مسؤولیت «دیگر امور در رابطه با نشریه» را نیز بردوش مدیر مسؤول (و نه دارنده پروانه) نهاده است، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسؤولیت تمام امور نشریه به‌عهده

گفتار اول - شرایط

براساس قانون مطبوعات، برای انتشار هر نشریه، افزون بر دارنده پروانه که «در قبال خط مشی کلی نشریه مسؤول است» وجود شخص دیگری تحت‌عنوان «مدیر مسؤول» نیز الزامی است. ماده ۹ قانون مطبوعات که بیان‌کننده شرایط اشخاص حقیقی متقاضی پروانه انتشار است، در تبصره نخست خود مقرر نموده است: «متقاضی امتیاز نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان مدیر مسؤول واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی نماید.» بنابراین باید گفت:

اول اینکه، معرفی مدیر مسؤول از وظایف و اختیارات «متقاضی امتیاز نشریه» است. از واژه «متقاضی» چنین فهمیده می‌شود که این معرفی باید همزمان با ارائه درخواست مذکور صورت پذیرد و به همین دلیل هم، رویه کنونی این‌گونه است که مدیر مسؤول در همان فرم تقاضای پروانه معرفی می‌شود. پس از اخذ پروانه نیز معرفی مدیر مسؤول جدید به هردلیلی که باشد همچنان به‌عهده «صاحب‌امتیاز» است (ماده ۱۴).

دوم اینکه، ضرورتی ندارد مدیر مسؤول، شخصی غیر از متقاضی یا دارنده پروانه باشد و او می‌تواند خود را نیز برای این منظور معرفی نماید.

سوم اینکه، بر خلاف متقاضی یا دارنده پروانه که ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشد (ماده ۸)، مدیر مسؤول ضرورتاً باید شخص حقیقی باشد. مستند قانونی این الزام از آنجاست که براساس تبصره مذکور از ماده ۹، مسؤول باید واجد شرایط مندرج در

اشاره

مدیر مسؤول، حدود اختیارات و مسؤولیت‌های وی از جمله موارد بسیار مهمی است که در قانون مطبوعات به آن پرداخته شده است.

نویسنده، طی سه گفتار ضمن برشمردن شرایط احراز سمت مدیر مسؤولی توسط فرد، وظایف و مسؤولیت‌های وی را برشمرده و چنین نتیجه‌گیری کرده است که علی‌رغم آنکه قانون مطبوعات «مسؤولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد را به‌عهده مدیر مسؤول نهاده است اما بنابر قواعد کلی حقوقی و اصول مربوط به مسؤولیت مدنی یا جزایی، تحمل این مسؤولیت از سوی مدیر نشریه، از مسؤولیت روزنامه‌نگاران نمی‌کاهد و آنان نیز باید عواقب آنچه را پدید آورده‌اند، پذیرا باشند.

■ **براساس قانون مطبوعات، برای انتشار هر نشریه، افزون بر دارنده پروانه که «در قبال خط‌مشی کلی نشریه مسؤول است» وجود شخص دیگری تحت‌عنوان «مدیر مسؤول» نیز الزامی است.**

■ **در صورت عزل و یا استعفای مدیر مسؤول، صاحب‌امتیاز موظف است حداکثر ظرف ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت (فرهنگ و) ارشاد اسلامی معرفی کند. در غیراین‌صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود.**

مدیرمسؤول است مگر آنچه صراحتاً در قانون برعهده صاحب‌امتیاز گذاشته شده است. به همین دلیل وظایف و مسؤولیت‌های مدیرمسؤول را در دو بخش می‌توان خلاصه کرد:

الف: مواردی که صراحتاً در قانون ذکر شده است:

۱. مسؤولیت تمام مطالب نشریه - همانگونه که گفته شد «مسؤولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد... به عهده مدیر مسؤول خواهد بود.» لحن این تبصره و هدف آن، نشان می‌دهد که مقصود از «مطالب»، تنها نوشته‌های نشریه نبوده و مسؤولیت مدیرمسؤول شامل عکس‌ها، طرح‌ها و هرآنچه در نشریه به چاپ می‌رسد، نیز می‌شود. آیا این مسؤولیت به معنای رهایی نویسنده، عکاس، طراح و به‌طورکلی تهیه‌کننده مطلبی است که در نشریه به چاپ رسیده است یا مسؤولیت مدیر، از بار مسؤولیت تهیه‌کننده اصلی نمی‌کاهد؟

از سوی دیگر، آیا مدیر مسؤول می‌تواند از این مسؤولیت که به حکم قانون بردوش او نهاده شده، شانه خالی نماید و با شرط عدم مسؤولیت یا از راه دیگری، تمام بار را بر دوش نویسنده و آگذازد؟ پاسخ این پرسش‌ها را در ادامه مطالب خواهیم دید.

۲. اعلام کتبی چاپخانه طرف قرارداد - به

موجب ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی،

«مدیرمسؤول نشریه موظف است نام چاپخانه طرف قرارداد چاپ نشریه را کتبیاً به وزارت (فرهنگ و) ارشاد اسلامی اعلام نماید.»

۳. انتخاب نماینده برای عضویت در هیأت نظارت - چنانکه می‌دانیم یکی از پنج عضو هیأت نظارت بر مطبوعات، «یکی از مدیران مسؤول مطبوعات به انتخاب آنان» خواهد بود (بند ه. ماده ۱۰ قانون مطبوعات). بنابراین، گرچه شرکت در این انتخابات یک تکلیف عینی برای هریک از مدیران مسؤول نیست، اما برای مجموعه مدیران مسؤول مطبوعات یک تکلیف به‌شمار می‌آید. به همین جهت هم، براساس آیین‌نامه اجرایی، «حق رأی مدیرمسؤول قابل تفویض نمی‌باشد»^۲ و باید شخصاً در این انتخابات شرکت نماید.

ب. سایر موارد (وظایف قانونی نشریه):
پیش از این یادآور شدیم علاوه بر موارد فوق که صراحتاً در قانون ذکر شده است، «مسؤولیت ... دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیرمسؤول خواهد بود»، مگر مواردی که از سوی قانون برعهده شخص دیگری مانند دارنده پروانه گذاشته شده باشد. روشن است که «دیگر امور در رابطه با نشریه» را نمی‌توان به‌طور کامل برشمرد؛ اما مواردی را می‌توان در لابه‌لای متون قانونی یافت که از وظایف نشریه شناخته شده، بدون آنکه از مسؤول مستقیم آنها نامی به میان آمده باشد. با آنچه گفته شد، باید آن وظایف را نیز در ردیف مسؤولیت‌های مدیر مسؤول یاد کرد.

تحمیل چنین مسؤولیت گسترده و دشواری به مدیر مسؤول و برخورد تساهل‌آمیزی که با دارندگان پروانه شده است، شاید به آن جهت باشد که صاحب‌امتیاز ممکن است شخص حقوقی بوده و در نتیجه الزام او به انجام این تکالیف و مجازات وی در صورت تخلف، بی‌معنا به‌نظر برسد. اگر این توجیه را هم بپذیریم، پذیرش این تفکیک در موارد دیگری که دارنده پروانه نیز شخص حقیقی است چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟

به هر ترتیب، مطبوعات از نظر قانونی موظف به رعایت موارد زیر نیز می‌باشند:

۱. **انجام رسالت مطبوعات - ماده ۲**
قانون مطبوعات، پس از ذکر پنج مورد به عنوان رسالت مطبوعات، در تبصره یادآور می‌شود که: «هریک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهم و با موارد دیگر به هیچ‌وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری

اسلامی باشند.»

۲. **رعایت حدود مطبوعات - فصل چهارم قانون مطبوعات تحت‌عنوان «حدود مطبوعات» در دو ماده ۶ و ۷ به ترتیب محدودیت‌های محتوایی و شکلی کار مطبوعاتی را بیان نموده و تصریح کرده که «نشریات، جز در موارد اخلال به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند»^۳ بنابراین مطبوعات موظفند در انجام کار حرفه‌ای و نیز استفاده از حقوق قانونی خود، از «حدود مطبوعات» فراتر نرفته، «موازین اسلامی و مصالح جامعه»^۴ را نیز رعایت نمایند.**

۳. **درج شناسنامه نشریه در هر شماره -**
طبق ماده ۱۸ قانون مطبوعات «در هر شماره باید نام صاحب‌امتیاز، مدیرمسؤول، نشانی اداره و چاپخانه‌ای که نشریه در آن به چاپ می‌رسد و نیز زمینه فعالیت و ترتیب انتشار، نوع نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و غیره) در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود، چاپخانه‌ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می‌باشند.»

چنانکه ملاحظه می‌شود، تعیین «محل ثابت» برای درج شناسنامه نشریه، الزامی است و چون از صاحب‌امتیاز خواسته نشده، از وظایف قانونی مدیرمسؤول است. اوست که باید با تعیین این محل، نسبت به درج موارد مذکور در ماده فوق همت گمارد.

البته، علاوه بر این موارد، ماده ۲۲ آیین‌نامه اجرایی، درج مشخصات دیگری را در هر شماره از نشریه الزامی ساخته و جای آن را هم معین نموده است. براساس این ماده: «مطبوعاتی که به شکل روزنامه‌ای منتشر می‌شوند مکلف به درج نام به‌طور کامل، ترتیب و تاریخ انتشار، شماره ردیف و مسلسل و شماره صفحه در بالای تمام صفحات و نیز قیمت در صفحه اول می‌باشند. همچنین مطبوعاتی که به شکل مجله‌ای منتشر می‌شوند موظف به درج نام به‌طور کامل، ترتیب و تاریخ انتشار، شماره ردیف مسلسل، تعداد صفحات و قیمت بر روی جلد و نیز قید شماره هر صفحه در تمام صفحات می‌باشند.»

در ادامه همین ماده چنین آمده است: «تبصره - اضافه کردن هرگونه کلمه و یا عبارت به نام و یا آرم نشریه به‌جز آنچه که در پروانه انتشار و یا مجوز چاپ نشریه ذکر شده است ممنوع می‌باشد.»

به یاد داشته باشید که تبصره فوق به معنای عدم امکان تغییر نام یا دیگر مشخصات نشریه نیست بلکه همانگونه که مفهوم مخالف ماده ۱۰ همین آیین نامه دلالت می‌کند، انجام این تغییرات با تصویب هیأت نظارت بلامانع است. چه آنکه طبق این ماده: «هرگونه تغییر در مشخصات مندرج در پروانه انتشار نشریه از قبیل: تغییر نام، روش، ترتیب و محل انتشار نشریه و یا تغییر در شکل نشریه بدون اطلاع و تصویب هیأت نظارت بر مطبوعات ممنوع می‌باشد.»

۴. تهیه دفاتر محاسباتی پلمپ شده- به دستور ماده ۲۰ قانون مطبوعات «هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تهیه و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند و بیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت (فرهنگ و) ارشاد اسلامی بفرستد، وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند، دفاتر مالی مؤسسات را بازرسی می‌نماید.»

همین مضمون در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ نیز به شکل دیگری تکرار شده است. براساس ماده ۹۶ آن قانون، هجده گروه از اشخاص حقیقی «مکلف به نگاهداری دفاتر قانونی می‌باشند و درآمد آنان از روی دفاتر قانونی تشخیص داده می‌شود» که طبق بند ۹، «صاحبان مجلات و روزنامه‌ها» نیز از آن جمله‌اند.

به نظر می‌رسد باید تکلیف مندرج در هردو قانون مذکور، را واحد دانست و گفت مقصود از «دفاتر محاسباتی پلمپ شده» در قانون مطبوعات نیز همان «دفاتر قانونی» مذکور در قانون مالیات‌های مستقیم است و بالاخره طبق ماده ۹۵ همین قانون، دفاتر قانونی عبارتند از دفتر روزنامه و دفتر کل. بنا بر این هر نشریه باید این دو دفتر را «بر طبق قانون تهیه و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند.»

نحوه تهیه و تحریر این دفاتر و اعتبار و تأثیر آنها از نظر قوانین و مقررات مالیاتی و دیگر جنبه‌ها، بحث مفصلی است که جای دیگری می‌طلبید. ۶

۵. اعلام کتبی تیراژ- تبصره ماده ۲۰ قانون مطبوعات می‌گوید: «کلیه مطبوعات مکلفند همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خود را کتباً به وزارت (فرهنگ و) ارشاد اسلامی اطلاع دهند.» عدم دقت کافی در تنظیم عبارات این تبصره قانونی، تکلیف دشوار و بی‌حاصلی را بر مطبوعات کشور تحمیل می‌نماید. مهمترین

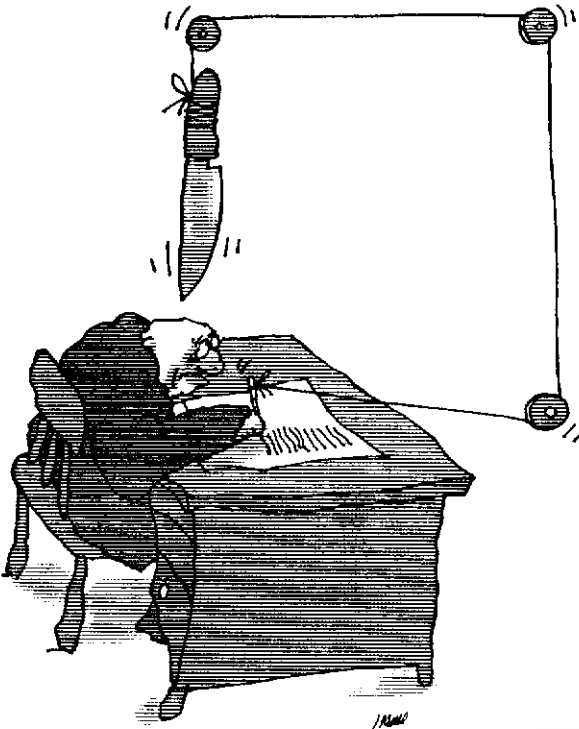
ایراد، الزام یکسان برای «کلیه مطبوعات»، از روزنامه گرفته تا سالنامه می‌باشد. آیا هنگامی که روزنامه‌ها مکلف به اعلام میزان فروش ماهیانه خود هستند باید هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، فصلنامه‌ها و سالنامه‌ها هم همین تکلیف را داشته باشند و مثلاً یک سالنامه باید هرماه میزان فروش ماهیانه خود را اعلام نماید؟!

از سوی دیگر، این تکلیف تا چه مدتی می‌تواند ادامه داشته باشد؟ روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها و امثال آنها که بیش از یک شماره در ماه منتشر می‌سازند، فروش خود را چگونه اعلام نمایند؟ «تیراژ فروش ماهیانه» مورد نظر است یا میزان و فروش هر شماره نشریه؟ ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی هم، نه تنها این ابهامات را برطرف نساخته است بلکه دشواری دیگری نیز بر این تکلیف افزوده است. طبق آن ماده «کلیه مطبوعات موظفند تیراژ خود را طبق فرمی که حاوی تعداد نسخ چاپ شده و تعداد نسخ برگشتی [باشد] به تفکیک محل توزیع به وزارت (فرهنگ و) ارشاد اسلامی ارسال نمایند که به صورت محرمانه نگهداری خواهد شد.»

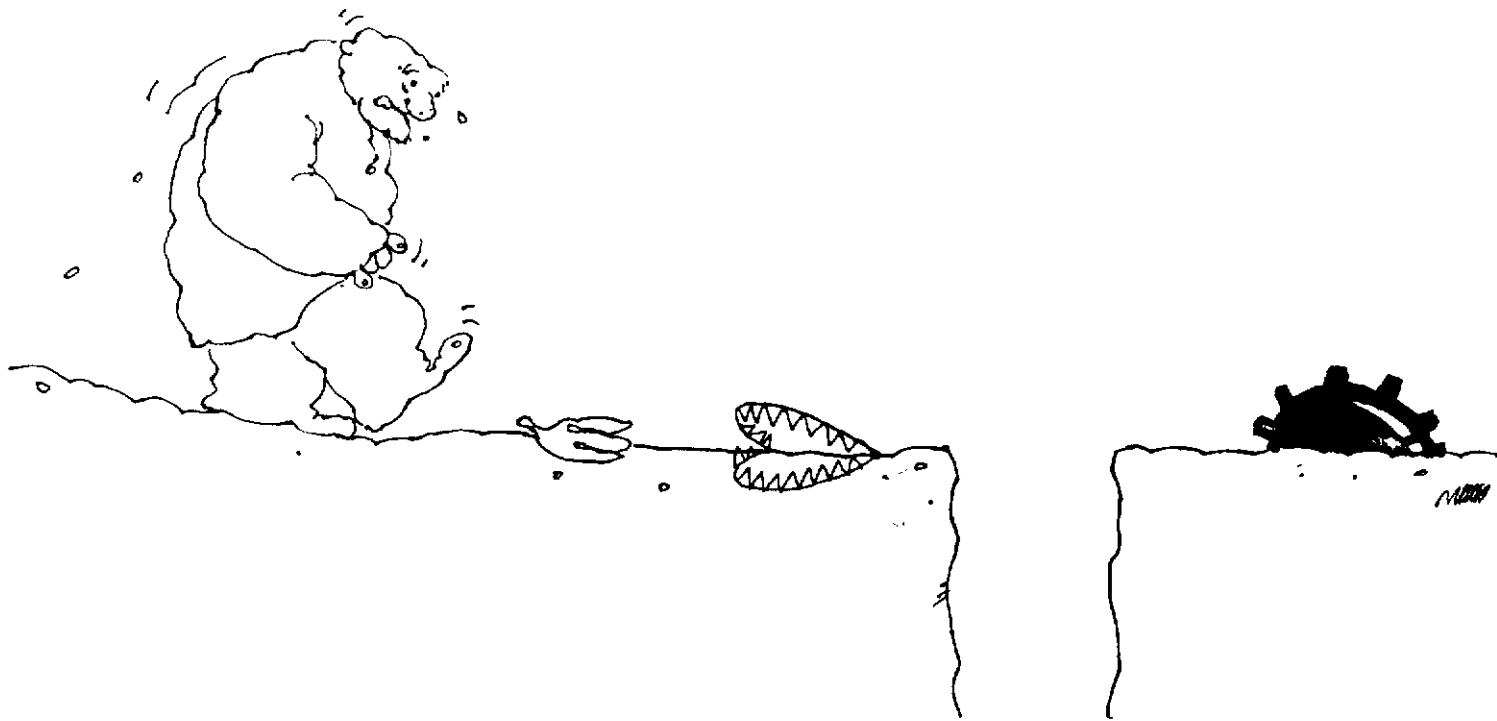
۶. درج جوابیه‌ها- به موجب ماده ۲۳، «هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا، یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذی‌نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک‌ماه کتباً برای همان نشریه بفرستد. و نشریه مزبور موظف است اینگونه توضیحات و پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند، به شرط آنکه جواب از دوبرابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد.»

تفسیر این ماده و بیان جزئیات مسائل مربوط به جوابیه‌ها که در تبصره‌های سه‌گانه همین ماده به آن پرداخته شده است، مربوط به بخش جرایم مطبوعاتی است.

۷. مکاتبات نشریه- ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات در این‌باره چنین می‌گوید: «کلیه مکاتبات مطبوعات با امضای صاحب پروانه یا مدیر مسؤول نشریه و شخص دیگری که قبلاً از طرف مدیرمسئول کتباً معرفی شده باشد معتبر می‌باشد. مکاتبات شخص معرفی شده در مواردی که قانون



■ مسؤلیت تمام نوشته‌ها، عکس‌ها، طرح‌ها و هر آنچه در نشریه به چاپ می‌رسد، اعلام کتبی چاپخانه طرف قرارداد و انتخاب نماینده برای عضویت در هیأت نظارت بر مطبوعات، از مواردی است که به صراحت، در قانون برعهده مدیرمسئول گذاشته شده است.



می‌شود. تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نرسیده است مسؤولیت‌های مدیر به عهده صاحب‌امتیاز است.^۱

ب. مسؤولیت شخصی روزنامه‌نگاران -
دانستیم که قانون مطبوعات «مسؤولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد» را به عهده مدیر مسؤول نهاده است و به همین جهت این پرسش را مطرح نمودیم که آیا شناسایی این مسؤولیت از نظر قانونگذار به معنای نفی مسؤولیت صاحبان و پدیدآورندگان آن مطالب است یا نه؟

در قانون مطبوعات، جز یک مورد، به صراحت سخنی از مسؤولیت شخصی روزنامه‌نگاران (اعم از نویسندگان، خبرنگاران، طراحان، عکاسان و...) به میان نیامده است. تنها در ماده ۲۷ این قانون است که طبق آن «هرگاه در نشریه‌ای به رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران^۱ و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیرمسؤول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.»

با این حال، در پاسخ به پرسش یادشده می‌توان گفت بنابر قواعد کلی حقوقی و اصول مربوط به مسؤولیت مدنی یا جزایی، تحمل این مسؤولیت از سوی مدیر نشریه، از مسؤولیت روزنامه‌نگاران نمی‌کاهد و آنان نیز باید عواقب آنچه را پدید آورده‌اند پذیرا باشند. تحمل چنین مسؤولیتی بر مدیر نشریه، برای وادارساختن او به نظارت هر چه بیشتر و دقیق‌تر به مطالبی است که در نشریه به چاپ می‌رسد. او از نظر قانونی ملزم است مراقبت نماید که از طریق مطالب نشریه‌اش خللی به

باشد، پس فقدان هر یک از آن شرایط به معنای کنار رفتن قهری (انعزال) مدیرمسؤول از سمت خود خواهد بود. از این‌رو هرگاه، مدیرمسؤول از تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران خارج شود یا به حکم دادگاه مجبور و یا ورشکسته به تقلب و تقصیر شود و بالاخره، هرگاه مشهور به فساد اخلاق شده و یا محکومیت کیفری مؤثر پیدا نماید، خود به خود از مدیریت مسؤولی نشریه هم کنار خواهد رفت. ضرورت استفاده و بقای این شرایط، علاوه بر لزوم وجود آنها در ابتدا، از صدر ماده ۱۴ قانون مطبوعات نیز قابل استنباط است که می‌گوید:

«در صورتی که مدیرمسؤول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد... صاحب‌امتیاز موظف است ... شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت (فرهنگ و) ارشاد اسلامی معرفی نماید.» فوت مدیرمسؤول را هم می‌توان یکی از مصادیق فقدان شرایط دانست.

۲. عزل - همان‌طور که نصب مدیرمسؤول از اختیارات و وظایف دارنده پروانه است (تبصره ۱ ماده ۹)، عزل وی نیز در حیطه اختیار او خواهد بود. این احتمال که ممکن است به هردلیلی صورت پذیرد، از دید قانونگذار پنهان مانده است.

۳. استعفاء - کناره‌گیری اختیاری مدیرمسؤول نیز از طرقی است که می‌تواند به از دست دادن این سمت منجر شود.

در هر سه صورت یادشده، «صاحب‌امتیاز موظف است حداکثر ظرف ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت (فرهنگ و) ارشاد اسلامی معرفی کند. در غیراین صورت از انتشار نشریه او جلوگیری

مطبوعات و آیین‌نامه اجرایی، آن را از وظایف صاحب پروانه و یا مدیرمسؤول شناخته است، اعتبار ندارد.»

مستفاد از ماده یادشده، آن است که در وهله اول، مکاتبات نشریه ممکن است از سوی شخص دیگری غیر از دارنده پروانه یا مدیرمسؤول صورت پذیرد. اما در این صورت، آن شخص باید قبلاً و به‌طور کتبی از سوی مدیرمسؤول معرفی شده باشد. در وهله دوم، مکاتبات شخص معرفی شده، در مواردی که، انجام مکاتبه قانوناً از وظایف صاحب پروانه و یا مدیرمسؤول شناخته شده است فاقد اعتبار است. بنابراین و به عنوان مثال، اعلام کتبی محل نشریه یا تغییر آن که از وظایف صاحب پروانه^۲ است و یا اعلام نام چاپخانه طرف قرارداد چاپ نشریه، که از وظایف مدیرمسؤول^۳ است تنها باید از سوی آنان انجام شده و مکاتبه شخص معرفی شده در این مورد ارزش قانونی ندارد. در صورت عدم معرفی چنین شخصی، مسؤولیت تمام مکاتبات الزامی نشریه، طبیعتاً بردوش مدیرمسؤول خواهد بود مگر آنچه که قانون، به صراحت برعهده دارنده پروانه نهاده است.

گفتار سوم - چند نکته مهم:

الف. فقدان شرایط، فوت یا کناره‌گیری مدیرمسؤول: ممکن است مدیرمسؤول نشریه به یکی از سه طریق زیر، سمت خود را از دست بدهد:

۱. انعزال - می‌دانیم که مدیرمسؤول باید واجد شرایط مندرج در ماده ۹ قانون مطبوعات

■ **قانون مطبوعات «مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد»** را به عهده مدیرمسئول نهاده است؛ ولی می‌توان گفت بنابر قواعد کلی حقوقی و اصول مربوط به مسئولیت مدنی یا جزایی، تحمل این مسئولیت از سوی مدیر نشریه، از مسئولیت روزنامه‌نگاران نمی‌کاهد و آنان نیز باید عواقب آنچه را پدید آورده‌اند پذیرا باشند.

■ **جملاتی نظیر «مسئولیت مطالب و مقالات به عهده نویسندگان آنهاست» که برخی نشریات، به قصد نفی مسئولیت خود ذکر می‌نمایند فاقد ارزش و اعتبار حقوقی است و تأثیری در کاهش مسئولیت مدیران آنها ندارد.**

نظم اجتماعی یا حقوق خصوصی افراد وارد نیاید و این مسئولیت منافاتی با مسئولیت روزنامه‌نگاران در همین زمینه ندارد.

ماده ۲۷ نیز مصداقی از این مسئولیت است که از ظاهر برخی دیگر از مواد نظیر ماده ۲۴، ۲۵ و ۲۶ هم قابل استنباط است. گرچه همانطور که گفته شد نص براین مطلب و تصریح بر آن تنها در ماده ۲۷ صورت گرفته است.

ج. شرط عدم مسئولیت - پس از آنکه دانسته شد افزون بر مدیرمسئول، پدیدآورندگان آثار مطبوعاتی نیز در برابر آنچه در نشریه به چاپ می‌رسد دارای مسئولیت مدنی و جزایی می‌باشند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا مدیرمسئول می‌تواند با استفاده از مسئولیت شخصی روزنامه‌نگاران خود را از قید مسئولیت برهاند؟ با اینکه، به رغم گفت‌وگوهای طولانی بین موافقان و مخالفان، در حقوق امروز، شرط عدم مسئولیت به رسمیت شناخته شده است، چنین شرطی در اینجا نمی‌تواند نافذ تلقی شود. زیرا در وهله اول، شرط عدم مسئولیت آنگاه مورد پذیرش است که «ضمن عقد» و به عبارت دیگر قراردادی (در مقابل شرط ابتدایی) تلقی شود.^{۱۱} در وهله دوم، در مواردی که قانون صراحتاً مسئولیتی را به شخصی تحمیل می‌کند، مسئول نمی‌تواند به خواست و اراده خود از زیربار آن شانه خالی نماید. چنین چیزی به معنای بیهوده انگاشتن قانون و اذن برهم زدن نظم عمومی می‌باشد.

بنابراین جملاتی نظیر «مسئولیت مطالب و مقالات به عهده نویسندگان آنهاست» که

برخی نشریات، به قصد نفی مسئولیت خود ذکر می‌نمایند فاقد ارزش و اعتبار حقوقی است و تأثیری در کاهش مسئولیت مدیران آنها ندارد.

آری، اگر مقصود آن باشد که «مطالب مندرج در مقالات صرفاً مبین نظرات نویسندگان آنهاست» یا اینکه «آرای نویسندگان لزوماً نظرگاه مسؤلان نشریه نیست»، چنین جملاتی درست و دارای ارزش علمی و تحقیقی می‌باشند. به این معنی که خوانندگان نباید نقل هر نظریه یا مطلبی را در نشریه به منزله دیدگاه مدیران آن نشریه بدانند. با این وجود و در این صورت هم تأکید می‌شود که «مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد (از دیدگاه حقوقی)... به عهده مدیرمسئول خواهد بود.» (تبصره ۴ ماده ۹).

پی‌نوشت‌ها:

۱. تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات.
 ۲. تبصره ۲ ماده ۳۰ قانون مطبوعات.
 ۳. ماده ۶ قانون مطبوعات.
 ۴. ماده ۳: «مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسؤلان را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند».
 ۵. ماده ۹۵ قانون مالیاتهای مستقیم: «دفاتر قانونی از نظر مالیاتی عبارت است از دفتر روزنامه (اعم از نقدی یا غیرنقدی) و دفتر کل موضوع قانون تجارت و با دفاتر مخصوصی که وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان دفتر مشاغل (دفتر درآمد و هزینه) تهیه و در دسترس مؤدیان قرار می‌دهد».
- یادآور می‌شود که دفتر روزنامه وکل در مواد ۷ و ۸ قانون تجارت تعریف شده‌اند اما آیین‌نامه نحوه تنظیم و نگاهداری دفاتر مصوب ۱۳۵۲، با کمی تغییرات چنین گفته است: «دفتر

روزنامه، دفتری است که اشخاص حقوقی یا حقیقی کلیه عملیات مالی و پولی خود را اعم از خرید و فروش و دیون و مطالبات و ظهورنویسی و هرگونه فعلیتی که ایجاد دین یا طلب کند و سایر عملیات محاسباتی که طبق اصول حسابداری و عرف متداول دفتری در پایان دوره مالی بر تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه لازم است بلااستثنا به ترتیب تاریخ وقوع در آن ثبت کنند.» (ماده ۳)

«دفترکل، دفتری است که کلیات عملیات ثبت شده در دفتر با دفاتر روزنامه برحسب سرفصل یا کدگذاری حسابها در صفحات مخصوص آن ثبت می‌شود به ترتیبی که نتیجتاً تنظیم حساب سود و زیان و ترازنامه از آن امکان‌پذیر باشد.» (ماده ۴)

۶. ر.ک: حمید مقدم‌فر، مطبوعات و دفاتر قانونی، فصلنامه رسانه، ش ۱۲، ص ۶۰ و دکتر محمود عرفانی، حقوق تجارت، ج ۱، صص ۱۱۳ تا ۱۳۹.

۷. ماده ۲۳ آیین‌نامه اجرایی.

۸. ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی.

۹. ذیل ماده ۱۴ قانون مطبوعات.

۱۰. یادآور می‌شود که در بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸، شورای رهبری، حذف گردیده و به شیوه رهبری فردی منحصراً شده است. معلوم است که نباید «شورای موقت رهبری» مذکور در اصل یکصدویازدهم را با شورای رهبری، اشتباعاً یکی دانست.

۱۱. دکتر محمدجعفر جعفری‌لنگرودی، حقوق تعهدات، ج ۱، ص ۳۱۸ و نیز بنگرید به دکتر ناصر کاتوزیان، ضمانت‌نهی، مسئولیت مدنی، ص ۳۵۴ به بعد.